

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: سایت گزارشگران

۱۷ سپتمبر ۱۷

## مصاحبه سایت گزارشگران با "یوسف زرکار" در باره انتخابات ریاست جمهوری و کابینه "حسن روحانی"

حسن روحانی زمان انتخابات و نقشی که در رویارویی بارقبایش در دور دوم ایفا کرد به ویژه اشاره اش به "لوله کردن" دانشجویان در حمله به قالی باف و یا حملاتش به رئیسی و بیان این که کار رقبیش در طی سی و هشت سال ممنوعیت و اعدام بوده است و اینکه تأکید داشت که امام رضا را جناحی و مصادره نکنید، با حسن روحانی بعد از انتخابات تفاوت بسیار داشته و دارد. وی این حرفها را برای گرم کردن تنور انتخابات، جلب نظر و رأی توده های شهری و استفاده از ظرفیت شعارهای اصلاح طلبان و بخشی از خواسته های مردم به میان کشید

\*\*\*\*\*

گزارشگر: با سلام به شما آقای زرکار

مختصراً اگر بخواهید تحلیلی از انتخابات دوره اخیر ریاست جمهوری بدهید، چه پاسخ خواهید داد؟

یوسف زرکار:

دروبر شما آقای بهروز سورن

قبل از هر چیز باید روی این نکته کلی و اساسی تأکید کنم که انتخاباتی که در جمهوری اسلامی برگزار می شود، بر اساس و از منظر معیارها و ضوابط اصولی، نه آزاد است و نه دموکراتیک. دلایل آن راهمه می دانیم، از قانون اساسی اسلامی گرفته تا نقش و عملکرد شورای نگهبان، نظارت استصوابی و نحوه برگزاری آن، مؤید این واقعیت است. وقتی که ساز و کار دموکراتیک نظیر: آزادی بیان، آزادی تجمع و تشکل اعم از صنفی و یاسیاسی وجود ندارد، وقتی آزادی احزاب و قانون مداری در کار نیست و وقتی که توده های مردم از هرگونه آزادی های سیاسی، اجتماعی و قضائی محرومند و به خودی و غیر خودی تقسیم شده اند، اقلیت خودی از مزایای فراوان برخوردارند ولی اکثریت غیر خودی نه تنها محروم از شرایط عادی و اولیه زندگی اند، بلکه به طور مستمر محدود و سرکوب می شوند و غیره و غیره، پس صحبت از انتخابات آزاد و دموکراتیک بی معناست. اما اطلاق انتصابات به آن نیز درست به نظر نمی رسد.

در رژیم جمهوری اسلامی، در موقعیت موجود و در محدوده خودی ها ساز و کاری ناقص ، محدود ، سر و دم بریده در درون حاکمیت و فقط برای آنها جریان دارد که خودشان آن را مردم سالاری دینی می نامند . این معجون ساخته شده از مدرنیته و سنت که انعکاسی از جمهوریت و اسلامیت نظام است، که شاید بتوان آن را نوعی شبه دموکراسی حکومتی نامید ، با قوانین و عملکردش ساز و کاری است که جناح های حکومتی در محدوده آن منافع و خواسته های خود را در چهارچوب حفظ کلیت نظام به پیش می برند .

انتخابات دوره اخیر ریاست جمهوری حسن روحانی (سال ۹۶) جدا از انتخابات دور اولش (سال ۹۲) نیست و آن نیز وابسته و تأثیر پذیرفته از نتایج حاصله از انتخابات سال ۸۸ می باشد. انتخابات سال ۸۸ تنش ها و لرزه بزرگی را برای نظام به وجود آورد که هنوز پس لرزه ها و تأثیرات آن، چه در وجه بخشی از توده های شهری و روشنفکران و چه در وجه جناح ها ، دسته ها و گرایشات گوناگون درون حاکمیت هنوز ادامه دارد، همچنان آن خواسته های برآورده نشده محرک بخشی از توده ها به صندوق های رأی می شود و کماکان جناح ها و دسته ها در تلاش جذب و دفع یکدیگرند . پس از انتخابات سال ۸۸ در درون نظام ، ائتلافی متشکل از میانه روهای اصلاح طلبان و اقتدارگرایان (یا همان اصول گرایان) که با حذف رادیکالهای هر دو طرف همراه بود ، شکل گرفت . این ائتلافی اعتدالی - اصلاحی است که قوه مجریه را در چارچوب سیاست های نظام و ولایت فقیه آن در دست دارد و حسن روحانی نماد و مجری آن است . پس از آن زمین لرزه بزرگ سال ۸۸ ناشی از مهندسی انتخابات در شکل تقلب بزرگ ، تصمیم گرفته شد که مهندسی انتخابات به گونه ای دگر باشد . نگاهی به ترکیب و تعداد کاندیداهای سال ۹۲ از ولایتی ، جلیلی ، قالی باف ، و غرضی گرفته تا روحانی ، رضائی و عارف و دیگران ، و میزان رأی هر کدام گویای دگرگون شدن آن مهندسی مبنی بر عدم اجرای تقلب بزرگ بود . همچنین نگاهی به ترکیب شش نفره و از هر جناح سه نفر در سال ۹۶ ، خیلی آشکار و واضح بیانگر نفوذ ، پتانسیل و تعادل قوای جناح های اصلی درون حاکمیت یعنی گرایشهای اعتدالی- اصلاحی و جناح مسلط با گرایش طالبانی است. در طی برگزاری انتخابات ، تبلیغات ، انتقادات و حملات جناحهای مذکور به یکدیگر جریان یافت و سرانجام دوگانه روحانی - رئیسی در پرتو نیروها ، امکانات و تبلیغات گرایش اعتدالی - اصلاحی در مقابل نیروها ، امکانات و تبلیغات گرایش مسلط اقتدارگرای طالبانی به نحوی آشکارا شکل گرفت . توده های مردم به حق، از ترس غلبه بیشتر و شدیدتر سلطه دینی و به منظور استفاده از شرایط ممکن، در صف های طولانی و در ساعات متمادی چه در داخل و چه در خارج از کشور، پیروزی حسن روحانی را ممکن ساختند که نقش شخصی روحانی در حملاتش به رقیب و استفاده اش از ظرفیت و پتانسیل شعارهای اصلاح طلبان در مقابل سوءاستفاده از امکانات و آویزه های دینی رقیب در این پیروزی تأثیر بسزائی داشت . گرچه ولی فقیه ، شرکت وسیع مردم را تأیید نظام خواند و روحانی آن را آشتی دوباره و تجدید پیمان دوباره مردم با نظام نامید، اما توده های مردم به این تعبیر و تفاسیر خندیدند و راه و کار خود را پی گرفتند .

**گزارشگران: می دانیم که انتخاباتی که مهر انتهای و تأیید صوری یا کتبی از ولایت فقیه را نیاز داشته باشد، آزاد نیست. به نظر شما آیا روند تحلیف ریاست جمهوری این دوره حسن روحانی وجه تمایزی با سایر انتخابات تا کنونی دارد؟**

**یوسف زرکاز:**

همانطور که در ابتدای سؤال قبلی توضیح داده شد ، آزاد بودن و یا نبودن انتخابات با تنفیذ و تحلیف تعیین نمی شود . معیار همانا اجرای مستقیم و بلاواسطه اصول دموکراتیک و قوانین مربوطه است که در مردم سالاری دینی وجود ندارد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی، نقش و عملکرد شورای نگهبان در گزینش و حذف فله ای کاندیدها و نحوه برگزاری انتخابات، خود به خوبی عدم آزاد بودن انتخابات در این نظام را به نمایش می گذارد.

تنفیذ و تحلیف در واقع برخاسته از دوگانگی نظام جمهوری اسلامی یعنی اسلامیت و جمهوریت است. تنفیذ یا همان نافذ بودن، جلوه سلطه اسلام، سیطره و تحکیم دینی و تأیید نقش ولایت فقیه در کلیت انتخابات است و تحلیف نیز برخاسته از جمهوریت ادعائی نظام، جلوه مجلس شورای اسلامی خودی ها و نمایندگان دست چین شده نظام است. تنفیذ و تحلیف مراسمی نمایشی اند که به گفته شما با آنها "مهر انتهائی" بر انتخابات مبتنی بر مردم سالاری دینی زده می شود تا این انتخابات کذائی کامل شوند.

بررسی وجه تمایز تنفیذ و تحلیف این دوره حسن روحانی با انتخابات تاکنونی در جمهوری اسلامی در حوصله این مصاحبه نمی گنجد ولی با نگاهی به همان موارد اشاره شده یعنی مراسم تنفیذ و تحلیف سال ۸۸ و ۹۲ و اکنون ۹۶ تمایزاتی آشکار می شود که اشاره می گردد:

مراسم تنفیذ دوردوم احمدی نژاد در فضای حاصله از سرکوب جنبش سال ۸۸، کشتار و کهریزک، خون و باروت و در فضای الدرمد بلدرم رهبر و حملاتش به "خواص بی بصیرت" و تأیید و تکرار سیاست های مورد نظر رهبری به پایان رسید و مراسم تحلیفش خیلی رسمی و کوتاه در مجلس شورای اسلامی برگزار شد.

تنفیذ دور اول روحانی در فضای آرامش بعد از طوفان و باحضور هاشمی رفسنجانی، همراه با سخنرانی محتاطانه و متناسب ولی فقیه و اعلام سیاست های دولت آینده از جانب روحانی خاتمه یافت.

در مراسم تحلیف دور اول روحانی هنوز مجلس دهم تداوم داشت و نقش آن در رأی دادن به وزرای پیشنهادی دولت اول روحانی خودنمایی کرد و چندین وزیر را چندین بار عوض کردند. حضور هاشمی رفسنجانی به مثابه "پدرخوانده" جریان تازه شکل گرفته اعتدالی- اصلاحی در کنار روحانی چشمگیر بود. تعداد کمی مهمان خارجی و نمایندگان کشورها حضور داشتند و یادمان است که قرار بود جک استرا (معروف به تهران جک) وزیر خارجه سابق انگلیس، به مراسم تحلیف دعوت شود که نمایندگان وابسته به جبهه پایداری گفتند که اگر بیاید با گوجه فرنگی و تخم مرغ از او استقبال خواهیم کرد. گرچه او گفت حاضر است تا آن گوجه ها و تخم مرغها را نوش جان کند ولی دعوت به وقت دیگری موکول شد.

مراسم تنفیذ دور دوم حسن روحانی در فضای پس از برجام و تأثیراتش، بازگشت اقتصاد وابسته از لبه پرتگاه و رفع سایه جنگ، بعد از پیش برد چهارسال سیاست های اقتصادی و پایه ریزی های مورد نظر، تا حدودی بعد از رفع و رجوع ویرانی های احمدی نژاد و با فقدان هاشمی رفسنجانی به اجراء درآمد. سخنرانی طولانی و مفصل روحانی با محتوای تدویم سیاستهای اقتصادی دور اول مبنی بر اولویت دادن به معیشت مردم، ایجاد اشتغال و تعامل گسترده با همسایگان و جهان، و با چشم داشتی به جایگاه آینده رهبری نظام، بعد از خامنه ای ایراد شد. درمقابل، ولی فقیه نیز در سخنرانی اش ضمن آن که وی را "دانشمند محترم" خطاب کرد، رهنمود سه گانه ای را عنوان نمود که دوتای آن یعنی اولویت اقتصادی و تعامل با جهان همان هائی بود که روحانی خواسته و عنوان کرده بود و سومی این که: در مذاکرات جهانی یادتان باشد که غربی ها و به ویژه امریکا سلطه طلب اند و کمر به نابودی نظام بسته اند که البته تکرار و تأکید همیشگی سیاست رهبری است، خاتمه یافت.

مراسم تحلیف دور دوم حسن روحانی را مصادف با چهارده مرداد[اسد]، روز مشروطیت برگزار کردند. وی با بهره برداری از این روز و اهداف برآورد نشده انقلاب مشروطیت به تبلیغ مردم سالاری دینی پرداخت. مراسم تحلیف در مجلسی انجام پذیرفت که خلاف دور اول، اکثریت آن را نمایندگان اعتدالی- اصلاحی در اختیار دارند. گرچه هاشمی

رفسنجانی حضور نداشت ولی با یادکردن روحانی ازوی در واقع "روحش" را به حضور طلبید. در این مراسم که انبوهی از مهمانان خارجی: اعم از رؤسای جمهور، رؤسای مجالس قانونگذاری و نمایندگان کشورها حضور داشتند، حسن روحانی با ارائه کالائی به نام مردم سالاری دینی به جای دمکراسی واقعی به مدعویین گفت:

"دولتش خواهان گسترش روابط با همسایگان و تعامل با جهان است" و تأکید کرد که این مورد در مراسم تنفیذ مورد تأیید رهبر قرار گرفته است به محکم کاری پرداخت. و این به ویژه در حضور فدیریکا موگرینی (مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا) معنای خاص خود را داشت و جالب این که سلفی گرفتن های نمایندگان با خانم موگرینی مضحکه ای شد به یاد ماندنی .

گرچه مراسم های تنفیذ و تحلیف این سه دوره در شکل تفاوتی نداشتند اما در محتوا ، در سیاست های ارائه شده و جنبه هایی که اشاره شد تفاوت و تمایز چشمگیری داشتند .

### **گزارشگران: کابینه معرفی شده و غالباً تأیید شده از جانب مجلس روحانی را چگونه ارزیابی می کنید؟**

#### **یوسف زرکار:**

کابینه معرفی شده از جانب حسن روحانی ، کابینه ای ائتلافی است که به جناح اکثریت اعتدالی- اصلاحی تعلق دارد و متشکل از وزرای تکنوکرات و بوروکرات است . به طور مشخص تر، این کابینه ترکیبی است از تکنوکرات های کارگزاران سازندگی ، اصولگرایان یا همان اقتدارگرایان معتدل ، اصلاح طلبان بریده از جنبش سبز و امنیتی های سیاستمدار . همانطور که دیده شد در تأیید کابینه و رأی مجلس برای وزراء ، خلاف دوران کابینه حسن روحانی از ۱۷ وزیر ۱۶ نفر آنان رأی آوردند و عدم کسب حد نصاب وزیر نیرو (حبیب الله بیطرف اصلاح طلب) نیز نتیجه کم کاری و ناتوانی لابی گری فراکسیون امید (اصلاح طلبان) بود وگرنه بنا بر گفته علی لاریجانی (رئیس مجلس):

"مجلس می خواهد با دولت همراهی کند" .

حسن روحانی در مراسم تحلیف مدعی است که کابینه اش فرا جناحی و معتدل است. این گفته ها هیچ کدام واقعیت ندارند زیرا:

ادعای معتدل بودن کابینه ، در مقابل جناح مسلط با گرایش طالبانی که قصد ایجاد "جامعه اسلامی را دارد" ، مصرف داخلی داشته و در بعد خارجی نیز مصرف تبلیغی دارد . وگرنه کابینه ای با نقش برتر افرادی نظیر زنگنه (وزیر نفت) و ظریف (وزیر خارجه) که به ادعای حسن روحانی " برند جهانی " دارند و در آن وزرای امنیتی نقش برجسته ای ایفای وظیفه می کنند و سیاست لیبرالیسم اقتصادی منتسب به هاشمی رفسنجانی را پیش می برد نمی تواند معتدل باشد . و همچنین فرا جناحی بودن آن نیز ادعائی پوچ است زیرا که ترکیب وزراء نشاندهنده ترکیب جناحی آن در ائتلافی به صورت شرکت سهامی است و جدای از این که در بعد سیاسی تقابل جناح ها آشکارا عیان است و عملکرد دارد، در بعد اقتصادی و اساساً در سیستم سرمایه داری وابسته به طور کلی این جناحهای اصلی اقتصادی وابسته بوروکرات و غیر بوروکراتند که در تلاشند و می کوشند با انواع و اقسام رقابت ها ، بده و بستان ها و ترفند ها، موقعیت های اقتصادی و منافع جناحی خود را تحکیم بخشند .

خلاصه این که : کابینه دور دوم حسن روحانی کابینه ای ائتلافی با ماهیت راست میانه است که با برتری تکنوکرات ها و امنیتی ها در پیشبرد خط لیبرالیسم اقتصادی می کوشد .

### **گزارشگران : آیا این کابینه گامی در جهت برآورده کردن وعده های انتخاباتی حسن روحانی است؟**

## یوسف زرکار:

حسن روحانی زمان انتخابات و نقشی که در رویارویی بارقبایش در دور دوم ایفا کرد به ویژه اشاره اش به " لوله کردن " دانشجویان در حمله به قالی باف و یا حملاتش به رئیسی و بیان این که کار رقبیش در طی سی و هشت سال ممنوعیت و اعدام بوده است و این که تأکید داشت که امام رضا را جناحی و مصادره نکنید، با حسن روحانی بعد از انتخابات تفاوت بسیار داشته و دارد. وی این حرفها را برای گرم کردن تنور انتخابات، جلب نظر و رأی توده های شهری و استفاده از ظرفیت شعارهای اصلاح طلبان و بخشی از خواسته های مردم به میان کشید و روشن بود که نه خود و نه جناحش و نه ساختار نظام ظرفیت و پتانسیل اجرای آن را ندارند.

این ایفای نقش دوگانه در قبل و بعد انتخابات به طور کلی تبلوری از همان دوگانگی موجود در ساختار نظام جمهوری اسلامی است که وضعیت جامعه و تغییراتش نظیر: رشد مدرنیته در مقابل سنت، رشد غیر مذهبی شدن در مقابل مذهب و رشد موقعیت اجتماعی جوانان و زنان بر این دوگانگی تأثیر گذارده و آن را بیشتر و وسیعتر تقویت کرده است که انعکاس اینها در شعارهای انتخاباتی تبلور یافته است. پس شعارهایی که در تبلیغات انتخاباتی طرح شده اند و وعده هایی که داده شده اند، در پس از انتخابات باید تعدیل گشته و از وزن و برندگی آن باید کاسته شود که چنین نیز شد. بدین خاطر است که حسن روحانی در مراسم تحلیف اعلام می دارد که: " من رئیس جمهور همه مردم هستم " و یا " این دولت می خواهد معتدل باشد، نه تسلیم شود نه بجنگد ". این گفته ها به روشنی از یکطرف علائم و اشاراتی است بر عقب نشینی از شعارهای انتخاباتی و از طرف دیگر به جناح رقیب گوشزد می کند که منافع آنان را نیز رعایت خواهد کرد. وی گفته نمی خواهد تسلیم شود یعنی نمی خواهد در مقابل جناح رقیب سپر بیندازد و نمی خواهد هم با آنان بجنگد، پس باید آنها را مهار کند، خنثی سازد و یا دور بزند و او در تلاش چنین امریست. وی با تأکید بر این که: " خط مشی دولت تعامل گسترده با جهان است که در مراسم تنفیذ مورد تأیید رهبری هم قرار گرفته است " در واقع ادغام اقتصاد لیبرالی در بازهای جهانی رادبرنامه دارد و این یعنی این که: تداوم خط مشی لیبرالی - ادغامی رادر پوشش شعار " امنیت، آرامش و پیشرفت " به پیش خواهد برد، که وجه عمده فعالیت و سیاست کابینه اش را در بعد اقتصادی تشکیل می دهد و همانطوری که در دوره اول به بازسازی سازمان ها و ارگان های حذف شده پرداخت و یا ویرانه های احمدی نژادی را تا حدی رفع کرد، در این دوره نیز بر گسترش زمینه های فعالیت های اقتصادی تلاش بیشتری خواهد کرد. در بعد اجتماعی آشکارا از شعارهای انتخاباتی (ارتقای نقش و جایگاه زنان، حقوق خلقها و اقلیت های مذهبی) عقب نشینی کرده و به دستور گزینش مدیران و مسئولین درجه پائین تر در این امور اکتفاء کرده است. و در بعد سیاسی، آزادی های مدنی و صنفی را به بی توجهی و حرف درمانی واگذار خواهد کرد و اگر در مواردی ناگزیر شود، به نحوی موردی و قطره چکانی عمل خواهد کرد زیرا که همه آن موارد را به اجرای "حقوق شهروندی" موکول کرده است که آن نیز وعده سر خرمن است.

## گزارشگران: به نظر شما سیاست دولت روحانی پیرامون رفع حصر چه خواهد بود؟

## یوسف زرکار:

این را می دانیم که حصر به اصطلاح رهبران جنبش موسوم به سبز تقریباً یکسال بعد از جنبش سال ۸۸ به وقوع پیوسته است. این را نیز می دانیم که مواضع و رفتار آقایان موسوی و کروبی و خانم رهنورد در جریان جنبش مذکور، علی رغم عقب نشینی آنان و فاصله گرفتن بارزشان از جنبش رادیکالیزه شده و توده های معترض - به منظور حفظ کلیت نظام - از طرف جناح مسلط اقتدارگرا و در رأس آن رهبری، نابخشودنی و در خور عقوبت بود، که موجب حصر آنان

گردید. اما باید در نظر داشت که اختلافات و درگیریهای موسوی و خامنه ای به زمان رهبری خمینی که این یک نخست وزیر و آن دیگری رئیس جمهور بود، بازمی گردد. و در مورد کربوبی نیز ریشه اختلافات به موضع گیری ها و رفتار کجدار و مریزش- در زمان ریاستش بر مجلس ششم- در اصطکاک با خامنه ای، مربوط است. از یک طرف، وقایع جنبش سال ۸۸ که علت و موجب حصر گردید، این فرصت را برای تسویه حساب گذشته نیز فراهم نمود و از طرف دیگر این مسأله ایست که باید در چارچوب کشاکش و توازن قوای جناح مسلط و قوه قضائیه و خامنه ای با جناح اعتدالی - اصلاحی حل و فصل گردد. پس در رفع حصر باید تسویه حساب و سلطه جناحی منظور گردد. به علاوه تداوم خواست رفع حصر از جانب بخشی از توده های شهری و ترسی که از تن دادن به این خواست از طرف جناح مسلط احساس می شود، نیز مزید بر علت شده و مسأله را پیچیده تر کرده است.

در شرایط کنونی و در موقعیت فعلی کشاکش و توازن قوای نیروها و دسته جات درون حاکمیت جمهوری اسلامی و ضعف مفرط اطلاع طلبان و به ویژه آن بخش بریده از جنبش سبز آن که ماندن در بدنه حاکمیت را به هرذلتی خواستار است، حل و فصل و مسأله حصر، کماکان به مرور زمان، احتیاط های لازم و پاس کاری بین شورای عالی امنیت ملی و قوه قضائیه همراه خواهد بود. به ویژه اگر توجه کنیم که مسأله رفع حصر، مسأله اصلی اکثریت توده های مردمی نیست که غرق در فقر و بی عدالتی اند و همه روزه نابرخورداری از آزادی ها و سیطره سرکوب و دیکتاتوری را برگزیده خود دارند، بلکه بخشی از توده شهری خواستار آنند، در چنین شرایط و اوضاعی دولت حسن روحانی کماکان سیاست کجدار و مریز و به نعل و میخ زدن را تداوم خواهد داد و مترصد فرصتی خواهد بود که از آن به نفع خود و جناحش سود جوید و گرنه دولتی با گرایش راست میانه (اعتدالی - اصلاحی) و با خطمشی مبتنی بر اولویت اقتصادی، و به ویژه شخص حسن روحانی اصول گرای معتدل با روحیه عمل گرایانه، به گشایش سیاسی و من جمله رفع حصر اعتقاد و تمایل چندانی ندارد.

به طور کلی دو حالت و یا سناریوی احتمالی برای رفع حصر می تواند در چشم انداز باشد:

یکم - این که در شرایط آرامش تاکنونی و تداوم آن، و با توجه به مریضی و کهلوت محصوران و با توجه به نقشی که موسوی و کربوبی در عقب نشینی از مواضع خود و همراهی با تظاهرات دولتی در ۹ دی [جدی] سال ۸۸ ایفا کردند، رفع حصر می تواند به به گذشت زمان واگذار شود تا با مرگ احتمالی آنها، مسأله به خودی خود رفع شده و بایک فاتحه خوانی همراه شود.

دوم - در شرایط بحرانی و ویژه، حال چه به علت فشار بخشی از توده ها، یا جناحی از رژیم و یا فشار خارجی، می تواند اوضاعی پدید آید که رفع حصر در دستور قرارگیرد و جناح مسلط و رهبری ناگزیر به حل آن شوند، در چنین حالتی، احتمالاً با برگذاری یک دادگاه نمایشی، محصوران محکومیتی را دریافت خواهند کرد و سپس با توجه به مدت حصر تحمل شده، کهلوت و یا رفتار کنونی محصوران مبنی بر درخواست صندوق و رأی دادن به انتخابات دور دوم ریاست جمهوری روحانی و یا دلایل دیگری که می تراشند، بخشوده خواهند شد. علائمی از این سناریو را محمد خاتمی در گفته هایش برروز داده است: این آقایان نمی خواهند انتقام بگیرند و با حل مسأله حصر " وحدت ملی " ایجاد خواهد شد. - (نقل به معنا)

خلاصه کنیم: مسأله حصر عمدتاً مسأله جناح های حکومتی است و رفع آن نیز منوط به برآیند و نتیجه کشمکش و توازن قوا بین آنهاست.

**گزارشگران: آیا نکته ای برای افزودن دارید؟**

**یوسف زرکار :**

با تشکر از این مصاحبه و قدردانی از تلاشتان .

**گزارشگران : باسپاس از شما.**

سپتمبر ۲۰۱۷ (شهریور [سنبله] ۹۶)